

بخش نوزدهم
از
ضد چریک
و
جنگ رهاییبخش ملی

منظور از بسیج سیاسی چیست؟

بسیج سیاسی عبارت اینست که : بافراد پیشمرگه و گریلا
و مردم د رباره هدف سیاسی جنگ گفتگو کرد. باید به
هر گریلا و پیشمرگه - و بهر فرد کردستانی فهماند که چرا
میجنگد و این جنگ با شخص او چه ارتباطی دارد.
هدف جنگ سیاسی جنگ مقاومت عباتست از : بیرون راندن
اشغالگران و ایجاد کردستانی نوین که د ر آن آزادی و دموکراسی
حکمفرما باشد.

از: سرهنگ چیا

با پوزش از اینکه این بخش با تاخیر پخش میگردد .

(رعایت انضباط آهنین و آگاهانه د ر واحد های " پیشمرگه و گریلا " لازمهء حفظ نیرو، و رسیدن به هدف است) .

یاد آوری مهم : از بخش هیجدهم : شبکه های مخفی سازمانیافته ، باید با پافشاری هر چه بیشتر ، توجه خود را بر روی هدفهای زیرمتمرکز کند :

- 1 - مراکز برق ، که ترانسفورماتورهای آنها میتوانند دینامیت گذاری شوند و کابلهایشان با پرت کردن یک زنجیر متصل بیک قطعه طباب ، بر روی سیمهای حاوی نیروی برق فشار قوی ، قطع کرد .
- 2 - مراکز گاز ، که هدفهای ساده ای برای منفجر کردن بشمار میروند . 3 - پاسگاههای پلیس و پادگانهای نظامی شهر و حومه آن . 4 - بانکها ، موسسات مالکان بزرگ و بورژوازی مالی ، که یک جنبش مسلحانه میتواند و)) باید)) برای بدست آوردن و تامین نیاز مندیهای پولی خود ، آنها را مصادره کند .

پلها، راه آهنها، کارخانه ها، محل تجمع " نهادهای " رژیم، وکارمندان نظامی و غیرنظامی رژیم که به جنا بیکاری معروفیت یافته اند.

یک جنبش رهائیبخش " ملی و انقلابی " در این هدفها نه تنها منابع مالی برای رفع نیازمندیهایش را مییابد، بلکه همچنین میتواند به تولید، آسیب برساند، مانع از آن شود که رژیم به تعهدات خود عمل کند، وارد سازد که مبالغ هنگفتی برای سکوب، سرمایه گذاری کند، او را بمبارزه ترغیب و تحریک نماید و تخم وحشت را در دل نیروهای سرکوبگر بکارند.

دنباله: دنبال کردن اشکال مبارزه شهری

رابطه شهروروستا

کماندوهای شهری میتوانند: به کمک مواد منفجره " مینها " کمینهای را در سر راه کامیونهای نظامی - که افراد و آذوقه را به مناطق عملیاتی حمل میکنند برپا دارند. این عملیات، بسیار مهم میباشند، زیرا از همان آغاز، نه تنها رابطه شهروروستا در یک جنگ چریکی " پارتیزانی " اثبات میرساند، بلکه در همه جا نیز به ضد چریک ضرباتی وارد خواهد کرد.

این کماندوها باید " بویژه " با سلاحهای کوتاه: طپانچه ها، رولورها، نارنجک ها، دست به عمل بزنند. اینان از مواد منفجره، بمب های آتش ز، و کوکتل مولوتف ها نیز استفاده خواهند کرد.

کماندوهای شهری، برای اینکه بتوانند پس از هر حمله، با سرعت هر چه تمامتر از میدان عمل ناپدید شوند، باید ماشین ها، موتورسیکلت ها و دچرخه های، در اختیار داشته باشند.

اعضای کماندوها باید کارت شناسایی و شغلی داشته باشند، تا در صورت لزوم بتوانند حضور آنها را در یک محل مشخص، توجیه کنند.

نظرباینکه، شبکه مخفی، درون نیروهای عقبدار دشمن عمل میکند، باید کلیه شرایط فوق را در خود جمع کند، در غیر این صورت، عملیات خود را محدود یا ناپدید شده مشاهده خواهد کرد.

کیفیت های اساسی عملیاتی که مبارزه شهری، متوقع است، عبارتند از: 1 - عزم و نیت قبلی، 2 - توداری 3 - خونسردی و آرامش، 4 - پیش دستی در حمله، 5 - سرعت و هماهنگی.

رهبر شبکه مخفی، مانند یک کوهنورد، نباید هیچگاه یک قدم به جلو بردارد، مگر اینکه مطمئن باشد که پایش بر روی یک زمین سفت، تکیه میکند. شتاب و عدم توجه به قواعد، بجای اینکه باعث پیشروی شود، بیشتر سیر قهقرائی را سبب میگردد و اغلب اوقات، به سرویس های رسمی امنیت دشمن، یاری میرساند.

آخرین وقایع تاریخی: ((در پروسه مبارزه مسلحانه که در ابتداء جنبش " سه دهه پیش " در کردستان شرقی ((، امکان این نظر را در اختیار ما قرار میدهند که: جنبش رهائیبخش " ملی و انقلابی " مانده در شهرها، بلکه با شهرها به پیروزی میرسد.

کادر رهبری شبکه مخفی " شهری " باید سعی کند - بویژه، زنان را ترغیب بمبارزه کند. به کمک علاقمندان و مبارزان، در محیط مدارس متوسطه - عالی - در محیط دانشگاهی نفوذ پیدا کند. در سازمانهای کارگری نفوذ کند. همچنین نباید در مصرف تلاشهای خود در زمینه تبلیغات - امساک کند تا از این راه، تیشه به ریشه خیا - لات واهی اعضاء ساده نیروهای سرکوب زده باشد، و یک عده متحدینی از میان آنها برای خود فراهم آورد.

در این حالت، لازمست سازمانهای شهری تمام قدرت خود را بکارگیرند تا چیزی را محقق کنند که ما قبلا آنرا (وضعیت بخود متکی) نامیده ام: 1 - مواظبت از خطوط خوار و بار و آذوقه 2 - عضوگیری 3 - مواد منفجره 4 -

تهیه و تدارک دیدن مناطق جدید روستائی 5- پول و غیره. همینکه شبکه های شهری به محکمى پا برجا شدند ، میتوانند بمبارزه شهری نوعی گستردگی : (جنگ پیشمرگه ائی یا گریلائی) را ارائه دهند.

با اینحال ، این وجود - و خلق یک جنبش رهاییبخش " ملی - انقلابی " است که بیش از همه ، در پیدایش یک شبکه مخفی ((سازمان یافته و مقتدر)) ، سهیم و موثر میشود. همکاری در ایجاد و خلق شبکه های مذکور با مساعدت - و هماهنگ کردن روابط بین جنبشها ، یا احزاب و سازمانها - باید اشتغال فکری مداوم " اورگانیکى " عمدترین مسئولان هر سازمان را مخفی " زیرزمینی " بوده باشد.

در اینجا ، باید باین نکته مهم اشاره کنم : در جنبشهای ما بانگیزه فقدان هسته های زیرزمینی ((سازمان یافته و آموزش دیده)) ، ناشی از اهمالگری : ((احزاب و سازمانها ، در برابر وظائف و مسئولیتهای سازمانی خویش ، در برابر اهداف تاریخی جنبش رهاییبخش ملی و فقدان طرح و برنامه لازم مبارزاتی)) ، نقشی را که هر از گاهی ، افرادی بطور " خود انگیخته " در اجراء این نوع عملیات " شهری " ایفاء میکنند ، اغلب موجب گردیده است که : جوانان مشتاق به پیوستن - و فعالیت در یک چنین جبهه ائی ، در مراحل " جنینی " وسیله سرویسهای امنیتی آشنا لگران بسهولیت مورد شناسائی واقع و بدام بیافتند ((زندانی یا نابود)) شده اند.

دوم : عملیات چریکی " پیشمرگه ائی یا گریلائی " در شهرها :

منظور عملیاتی است که در واقع ، وسیله واحدهای چریکی ، مناطق روستائی با اجراء عملیات نفوذی در شب بدون شهرها ، یعنی (درون نیروی عقیدار دشمن) بمورد اجراء درمیآید.

بنا بر آنچه که در بخش نخست ((شبکه های مخفی شهری)) گفتیم ، میتوان دریافت که عملیات شهری که در پر و سه مبارزه مسلحانه مرسوم و متداول بوده اند ، چیزی جز " تداوم عملیاتی " که وسیله واحدهای چریکی " پیشمرگه یا گریلائی " مناطق روستائی پی گیری میگردند ، نیست. با این وجود همین خود موید عمق روابط ارگانیکى " شهر و روستا " در یک جنگ چریکی میباشد ، بدینمعنا ، در صورت فقدان هر یک از این دو جبهه ، جبهه دیگر ، الزاما (البته با تحمل تلفات و ضایعات بیشتر) بجایش عمل خواهد کرد.

بسخت دیگر ، جنگ چریکی " پیشمرگه ائی یا گریلائی " در شهر و روستا ، تنها دمرحله از یک عملیات واحدند ، با این تفاوت : جنگ شهرها بسیار بفرنج تر و مهم تر است. زیرا : دشمن از نظر جسمی و روانی ، در شهرها بسیار قوی تر از روستا است. لیکن ، محتوای هر دو عملیات " تعرضی و زود فرجام " است ، که در خطوط داخلی دشمن صورت میگیرد.

بنابراین ، بهیچوجه هدف از این عملیات تسخیر و نگه داری و کنترل شهرها نیست ، و تنها باید در آخر مراحل جنگ رهاییبخش ملی از طریق : ((انجام نبرد و مقاومت به تمرکز نیرو و پرداخت)) و کار تسخیر شهرها را به پیش برد.

بهر حال ، جنگ چریکی " پیشمرگه یا گریلائی " در شهرها وسیله واحدهای چریکی مناطق " روستائی " از نظر (مکانی و زمانی) ، معمولا بدو شکل اجراء میگردد :

1 - عملیات شبانه از نوع " دستبرد " بر روی یک یا چند هدف ثابت دشمن از قبیل : پایگاهها ، پادگانها ، مراکز برق رسانی فشار قوی ، مراکز ارتباط جمعی ، مخازن سوخت و بنزین ، بانکها و غیره ، طرحریزی و بمورد اجرا در مییآید.

2 - عملیات روزانه (محدود) ، از نوع کمین یا دام گستری ، با رعایت شدید غافلگیری علیه هدفهای متحرک دشمن از قبیل : گشتیها و نفرات متفرق دشمن ، که در داخل شهر مشغول گشت زنی یا تهیه مایحتاج روزانه خود هستند ، و نیز خود روهای عبور نظامی در داخل شهر ، اجراء میگردد.

بطور کلی این نوع عملیات برخلاف آنچه ممکنست در نظر اول تصور شود ، بیشتر دارای خصلت ((روانی - و سیاسی)) است ، تا نظامی. بدینمعنا : از نظر روانی بر بالابردن روحیه توده ها - و در نتیجه بر میزان حمایت

(مادی و معنوی) آنها از نیروهای مبارز خواهد افزود (البته بشرط پیروزی)، از آن مهمتر: برجذابیت و کشش نیروی (جوان شهری) برای پیوستن به واحد های چریکی "پیشمرگه یا گریلا" ویا بویژه، شرکت آنان در تشکیل و فعالیت در هسته های زیرزمینی شهری میافزاید.

ادامه دارد.

Chia.rabii@yhoo.com

مالمو سوئید